

سوادنامه ابراهیم شاه برادرزاده نادر شاه
به سلطان محمود عثمانی^۱

شمس الفلك السلطنة والعظمة والابهه والنصفة والمعدلة والرحمة
والرأفة والبر والاحسان سلطان محمود خان بن سلطان مصطفى خان
خلد الله ملكه .

الحمد لله المنك المتعال وهو المحمود في كل فعال، آغاز كلام ميمنت
انجام وافتتاح صحيفه فرخنده ختم بر نمط خجسته نظام که مصادق
کلام الملوك ملوک الكلام تواند بود بنام لازم الاكرام خداوند علام
جل شأنه سزاست که ذات بيمثالش از وصمت تغير وزوال و نقص
تبدل و انتقال منزه و مبراست .

تعالى الله زهی بيمثل و مانند که خواندش خداوندان خداوند
مالک الملک که جهت نظام امور جهان در هیچ عصر و زمان آسمان
جهان بانی را از نجوم درخشان خسروان رفیع الشأن خالی نگذاشت،
و خداوندی که در هرافقی از آفاق غروب کوکب لامع را بطلع نجمی
ساطع قران داده و افول آنرا بظهور این مقارن داشته، و درود از
حد افزون و تحيات از حساب بیرون شایسته روح مطهر و مرقد
منور شمع محفل رسالت آفتتاب فلك جلالت گوهر درج نبوت اختر
برج فتوت مصدقه کنت نبیاً و ادم بین الماء والطین ، منطوقه و ما
ارسلناك الا رحمة للعالمين ، معزز بخطاب لولاك باعث خلق ارضين
و افلاک سیدا ابراهیمی نسب و سرور هاشمی حسب اشرف موجودات
و اخلاص کاینات واسطه آفرینش جهان مصلح اجرای کلیات کون و مکان

فخر رسل و هادی سبل و ناظم جزو وكل

محمد عربی کز غبار مقدم او زمین همیشه بر افلات افتخار کند
یا ایمها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسليماً و بر ارواح طیبه
و اجساد طاهره اولاد طاهرين و خلفاء راشدين او بادکه هادیان راه
یقین و حامیان حوزه دین مبین اند .

بعداز تزیین نامه موالفت اقتضا بنام یگانه بیهمتا و ستایش
خداوند ولی الحمد والشناع و درود مقربان درگاه کبریا از هار دعا یی
که از کنار جویبار آن نهال اصلها ثابت و فرعها فی السما، مشو
و نما یافته و انوار ثنایی که درخت طوبی مثال آن در روضه افمن
شرح الله صدره الاسلام پرورش پذیرفته و صنوف تعبیاتی که از
شاخسار گلزار خلوص نیت بترشح سحاب فتقبلها ربها قبول حسن
غنجه امانی و امال متبدسم و فنون تسنیماتی که از ریاحین بساتین
صادقت قرین آن نسیم اجیب دعوة الداع و شمیم فاستجاب لهم ربهم
تنسم گردد نثار مجلس بهشت آیین و ایثار محفل ارم تزیین بندگان
ثريا مكان اعليحضرت گردون بسطت ثريا منزلت کیوان رفعت برجیس
سعادت بهرام صولت خورشید فطرت ناهید بهجهت عطارد فطنت
قمر خصلت اسکندر نصفت، سلطان سکندر شأن سليمان مكان خاقان
جهان گیر جهان بان قآآن اعظم رفیع الشأن شہسوار مضمار عدل
و امتنان مظہر آثار ان الله يامر بالعدل والاحسان مظہر شمیم رافت
بی پایان محیی مراتب عدل و انصاف ماحی مراسم جود و اعتساف
مخدم اعظم ائلسطین فی العالم ملاذا فاخم الخوaciین بین الامم سلطان -
البرین و خاقان البحرين ثانی اسکندر ذی القرنین خادم الحرمين
الشريفین المخصوص با وفر العظ من عنایت الله الملك المنان ظل الله
الرحمن السلطان بن السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان
لازالت عليا عتبته ملجاً لقاطبة الانام و سنیا سدته سداً بین الكفر -

والاسلام نموده مرفوع رأى جهان آرای بیضاضیا که مطرح اشعة
فتواتیں الہی و مہبیط انوار نیز فتوحات نامتناہی است میدارد که :
چون حل و عقد امور خلافت وجہان داری بکف کفایت مقدران
عالیم بالا مربوط و بست و گشاد مقدمات سلطنت و شہریاری بدست
کارکنان **قل اللہم مالک توتی الملک من تشاء منوط میباشد**
و درین اوان میمنت اقران که ممالک آذربایجان مضرب خیام سـ
انجم احتشام و قشلاق اردوانی ظفر فرجام گردیده این مستمند در
الله بدلول کریمه شریفه وتلک حجتنا ایتنا ابراهیم علی قومه تر
درجات من نشاء سریر آرای سلطنت و شہریاری و زینت افزای
اور نگئ نصفت و بختیاری گردیده جلوس و چون نظر بمضمون
مؤلفت مشحون نامه مصافات تسامه که قبل از این بخاقان سدره
مکان غریق بحار رحمت رحمن عم نامدارم طاب الله ثراه نگاشته
قلم موعد رقم شده بود روایح مصالحة پادشاه رضوان مراعع
سلطان مرادخان رابع بردا لله مضمجه فیما بین دولتين علیتین بدماع
اطلاع خاص و عام و جمهورانام رسیده و مواثيق مؤکده باوتاد
کریمه **یا ایها الذین آمنوا او فوا بالعقود** و ارکان رکین مشینه
بمصدقه اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا در تلو وثیقه نامجات
مبتنی بر مصالمه و مصالحه بین الدولتين العليتين بامنای دو دولت
عظمی سپرده شده و در این اوان سعادت نشان که از هار آمال در
گلشن خاطر صداقت مظاهر شکفته و گلزار ضمیر دوستی تخمیر
خواهشمند رشحات سحاب اطلاع بر مجاری احوال خیر مآل آن منظور
نظر عاطفت خدای متعال بود نامه مشکین ختم اهمایون که بصحابت
عالیجاه شہامت و بسالت دستگاه مقرب الخاقانی محمد کریم خان
رقمزد کلک درر سلک منشیان عطارد نشان گردیده در مقام تشیید

مبانی صلح وصفا فرمان واجب الاذعان والابعموم وزرا وپادشاهان
وبيگلر بيگيان وارباب اختيار سرحدات وثفور ممالک محروسه سلطاني
صادر شده بودکه بدستور سابق اركان رکين صالحه واتحاد جانبيين
را قائم و دائم دانسته امری را که منافی مصالحه و اتحاد جانبيين
مرتكب نشده احتراز و اجتناب را لازم شمارند مضامين مسطوره
چنانچه باید بتمامها معلوم رأي مهر انتما گردیده از آنجاکه کوكب
سلی الظہور رأفت خسروانه فروغ افزاى ساحت قلوب احباب مودت
اسلوب شده اين امر خيررا اهتماماً اشعار فرموده بودند از اين
جهت که محض خيريت و رفاهيت رعایا و برایا بودکه آن خليفه
اسلام مالك رقاب انام اعلام و همت و الانهمت پادشاهی برآن مصروف
فرموده اند اين دوست هواخواه نيز غرض اصلی و مطلب كلی همين
مدعا بود نظر بمراتب مسطوره مجدداً ارقام قضاقدره قدر نظام بهمگی
واليان و سرهنگان و بيگلر بيگيان و خوانين سرحدات ولايات ممالك
محروسه خاقاني صادر ومقرر گردید که بنحوی که ازان حضرت اعلی
دولت اسنی اعلام و قبل از اين نيز اين بنای خير در میان دو
دولت عظمی بوده صالحه و دوستی منظور داشته از سرحد خود
تجاور و تعدی ننمایند و تجار خير مدار را مراعات ازلوازم شمرند.
بنابراینکه در ايام عم نامدارم، سعادت و شوكت پناه حشمت
و جلالت دستگاه عاليجاه عمدة الخوانين العظام مصطفى خان شاملو
افشار که بامر سفارت مأمور بود بتقریب قدمت خدمت ممتاز و
بعبودیت اين سده سدره مرتبت سرافراز و محل اعتبار و اعتماد
شهریاري و شناسائي قوانين و قواعد خدمتگذاري است مجدداً
مأمور بتقبيل عتبه عليه والا وتلشيم سده سنیه عليا که مطلع -
السعدین دین و دولت و مجمع البحرين الفت و رأفت است نموديم

که در مجلس ارم تزیین و محفل بهشت آیین بعداز تشیید بنیاد
یگانگی و رفع مواد بیگانگی بگذارش آداب خدمت و ایصال نامه
صداقت ختمه و گذرانیدن هدایای مرسوله از نظر خیریت منظر
خورشید اثر و ترسیم رسوم شرفیابی فیض سعادت تبلیغ رسالت
نماید .

از آنجا که آن شهریار کامگار برگزیده پادشاهان روزگار
باين نیازمندرگاه کردگار بمنزله برادر بزرگ و همیشه از طرفین
روایح عنبرین فوایح الفت وداد و یکجهتی و اتحاد بمشام مراد و
مرام میرسیده پیوسته اقلام بدایع نگار و مقالید خامهای گوهربار
فاتح ابواب مهر و مؤلفت و گشاینده درهای مودت و مصادقت بوده
باعث انبساط خاطر خطیر این نیازمند درگاه الله و شکفتگی ضمیر
منیز معدلت انتباہ گردند .

باقی همیشه ساغر کامرانی لبریز و باده کامروائی نشاء
خیز و همواره با شاهد حسنی دولت و شوکت هم آغوش و بادوشیزه
زیبای عظمت وابهت دوش بردوش باد .

پشت نامه :

صورت نامه ایست که حالیا سلطان ابراهیم پادشاه ایران
روانه دولت ابد مدت علیه عالیه نموده واختلافی ندارد .

تاریخ ۱۱۶۲

مهر ایلچی ایران مصطفی خان
(عبده مصطفی)